



درس خارج اصول آیت الله اراکی داماد

عنوان درس:	خارج اصول فقه	جلسه ۹۱	تاریخ درس:	۱۴۰۰/۰۳/۰۱
عنوان فرعی ۱	مقدمات تصدیقیه بحث حجج و امارات			
عنوان فرعی ۲	مبحث ششم: تجری			
عنوان فرعی ۳	مطلب اول: حرمت یا عدم حرمت فعل متجری به			
عنوان فرعی ۴	بخش اول: ادله ثبوت حرمت فعل متجری به			
عنوان فرعی ۵	دلیل دوم: استدلال بر اساس قاعده ملازمه بین حکم عقل و حکم شرع			
مقرر:	حجت الاسلام محمد علی زحمت کش			

مرور دروس گذشته

بحث ما در اثبات حرمت فعلی که به وسیله آن تجری انجام می گیرد - که از آن به فعل متجری به تعبیر می کنیم - بود. بحث ما در استدلال دوم؛ یعنی قاعده ملازمه بود که از دو مقدمه تشکیل می شد؛ یکی قبح [عقلی] تجری و دیگری ملازمه بین قبح تجری و حرمت شرعی آن. گفتیم میرزای نائینی بر این استدلال ایراد گرفته اند. بیان استاد شهید از اشکال میرزا را در گذشته بیان کردیم و ایرادهای ایشان را نیز بیان کردیم؛ اما گفتیم آنچه در اجود التقریرات مرحوم میرزا آمده، متفاوت است با آنچه استاد شهید به عنوان اشکال یا بیان میرزای نائینی در رد استدلال به قاعده ملازمه بیان کرده اند.

ما در بیان اشکال میرزا به استدلال به قاعده ملازمه بنابر آنچه در اجود التقریرات آمده بحث می کردیم. گفتیم مرحوم میرزا می فرماید اصلاً حرمت شرعی فعل متجری به معقول نیست تا بخواهیم با قاعده ملازمه حرمت شرعی را اثبات کنیم؛ زیرا حرمت شرعی فعل متجری به سه فرض دارد که هر سه فرض غیر ممکن اند.

فرض اول را بیان کردیم که این بود که حکم حرمت به جامع بین خمرواقعی و بین مقطوع الخمریه تعلق بگیرد. ایشان فرمود این فرض ممکن نیست؛ زیرا این فرض متوقف بر دو مقدمه است که هر دو باطل اند: مقدمه اول اینکه علم بما هو صورة نفسانية سبب صدور فعل از مکلف باشد؛ و مقدمه دوم اینکه امر و نهی مولا به اراده تکوینی عبد که تعلق می گیرد، به اراده بمعنی الاسمی (یعنی اراده بما هی اراده) تعلق بگیرد؛ نه به اراده بمعنی الحرفی که فانی در فعل است؛ که هر دو مقدمه باطل است. این فرض اول فرمایش میرزا بود.

فرض دوم تصور حرمت برای فعل متجری به: تعلق حرمت به شرب مقطوع الخمریه

فرض دوم این است که اگر بخواهد تجری [بر اساس قاعده ملازمه] حرام باشد به این صورت است حرمت از ابتدا به شرب خمر مقطوع الخمریة تعلق بگیرد. اگر حرمت به شرب خمر مقطوع الخمریة تعلق بگیرد، بر فعل تجری نیز این عنوان بار می شود و در نتیجه شراً حرام خواهد بود.

میرزای نائینی می فرماید که این فرض نیز باطل و غیر معقول است زیرا معنای اینکه حرمت به عنوان مقطوع الخمریة تعلق بگیرد این است که شرب خمر واقعی به وسیله یک عنوان عارض، حرمت دیگری پیدا کند؛ یعنی یک حرمت که به عنوان شرب خمر بر آن بار می شد و الان یک حرمت دیگر بر آن بار می شود به عنوان اینکه شرب خمر مقطوع الخمریة است؛ و این ممکن نیست؛ زیرا در اینجا دو فرض وجود دارد:

فرض اول این است که یک حکمی شبیه همان حکم واقعی، به لحاظ این عنوان عارض بر این شیء بار شود که در نتیجه در مثال دو حرمت بشود، یک حرمت به لحاظ اینکه شرب الخمر است و یک حرمت به لحاظ اینکه شرب خمر مقطوع الخمریة است؛ ولی این حکم دیگر، حکم تأکیدی باشد و موجب تأکید حکم قبلی شود.

عناوین عارض بر فعل، ممکن است موجب تأکد حکم شوند یعنی یک فعل حرامی به سبب فعل عنوان عارضی بر آن فعل، حرمتش متأكد می شود مثلاً کسی به رحمش ظلم کند که هم به لحاظ اینکه آن ظلم است حرام است و هم به لحاظ اینکه قطع رحم کرده حرام است - و این اجتماع عنوانین بر معنوی واحد در سایر افعال و عناوین ممکن است؛ اما در خصوص عنوانی که به وسیله قطع برشیء بار می شود [چنین نیست]. مثلاً اگر این فعل مقطوع الخمریة است، اینکه بگوییم این فعل یک حرمتی دارد به لحاظ شرب الخمر و حرمت دیگری به لحاظ اینکه شرب خمر مقطوع الخمریة است یا به لحاظ قطع به اینکه شرب الخمر است، معقول نیست؛ زیرا ما در محل خود روشن کردیم که قطع به شیء، موجب تغیر شیء نمی شود؛ مثلاً فرض کنید که من قطع پیدا کنم که این مایع خارجی آب است؛ اما در حقیقت آب نباشد بلکه آب میوه باشد؛ با قطع من، آن شیء خارجی تغییر نمی کند؛ اگر بنا بود که شرب خمر حرام باشد؛ حال من قطع پیدا کردم به اینکه این شرب خمر است؛ قطع من، موجب این نمی شود که آن شیء از آنچه هست مختلف شود و یک مفسده دیگری بر آن بار شود به لحاظ اینکه مقطوع الخمریة است.

فرض دوم این است که گفته شود این عنوان قطع و عنوان مقطوع الخمریة بودن، موجب ترتب یک حکم حرمت مستقل دیگری می شود. این فرض نیز ممتنع و محال است؛ زیرا موجب اجتماع مثلین می شود؛ زیرا شخص قاطع، قطع خود را موافق با واقع می داند؛ آنوقت معنایش این می شود که شرب خمر در نظر قاطع، دارای دو حرمت باشد و هر یک از دو حرمت نیز مترتب بر همین شیء باشد؛ یک حکم حرمت به لحاظ اینکه شرب خمر است و یک حکم حرمت دیگر دارد به لحاظ اینکه شرب الخمر است؛ زیرا برای قاطع، به اینکه این شرب الخمر، شرب الخمر واقعی است قطع دارد. بنابراین این فرض نیز باطل است.

فرض سوم تصور حرمت برای فعل متجری به: قبح فاعلی، به فعل سرایت می کند

فرض سوم در بیان میرزا این است که حکم حرمت فعل متجری به چنین توجیه شود که گفته شود آنچه قبح عقلی دارد، فاعلیت فاعل است و قبح فاعلی است و فعل که شرب آب است - قبح ندارد. فاعل، نیت بد و سریره بدی دارد که به قصد تمرّد بر مولا فعلی را که می دانسته حرام است مرتکب شده است؛ درحالی که در واقع حرام نبوده؛ لذا قبح فاعلی دارد؛ آنوقت گفته شود که قبح فاعلی موجب قبح این فعل می شود؛ یعنی قبح فعل، از قبح فاعلی نشأت می گیرد و بعد حرمت بر آن بار می شود. به عبارت دیگر قبح فاعلی، به فعل سرایت می کند و در نتیجه سرایت قبح فاعلی به فعل، حرمت بر آن بار شود؛ بنابراین خود این مقطوع الخمریة بودنش عقلاً قبیح می شود و موجب ترتب حکم شرعی حرمت می شود.

ایشان می فرماید این فرض نیز غلط است؛ زیرا این فرض موجب آن می شود که قبح فاعلی، متقدم بر قبح فعلی شود؛ درحالی که قبح فاعلی، مسبب و نتیجه قبح فعلی است. اصلاً قبح فاعلی از اینجا نشأت می گیرد که فاعل با ارتکاب نیت قبیح، فعل قبیحی را انجام می دهد؛ لذا باید قبلاً قبح و حرمت فعلی ثابت شده باشد. به عبارت دیگر، قبح فاعلی، متأخر از قبح فعلی فعل است و نمی تواند متقدم از قبح فعلی فعل و سبب قبح فعلی فعل شود. این در صورتی است که گفته شود، قبح فاعلی، منشأ همان حرمت اولیه فعل می شود.

این فرض سوم در بیان میرزا قسم دیگری نیز دارد که اینطور گفته شود که فعلی حرام می شود به حرمت واقعی، بعد قبح فاعلی پیدا می کند و بعد قبح فاعلی آن، موجب ترتب حکم حرمت دیگری می شود که در این صورت اشکالی که بر قسم اول گرفتیم، وارد نمی شود که گفتیم تأخر حرمت فعل از قبح فاعلی اش لازم می آید. مرحوم میرزا می فرماید این فرض نیز چون موجب اجتماع مثلین است، محال است؛ زیرا کسی که مرتکب فعلی می شود با قطع به اینکه این فعل، فعل حرام واقعی است، خودش را که متجری نمی داند؛ بلکه خود را مرتکب واقع می داند؛ لذا در اعتقاد این شخص، این فعل خارجی دو حرمت دارد؛ یک حرمتی [ابتدایی] دارد که موجب قبح فاعلی اش شده است؛ و حرمت دیگری دارد که نتیجه قبح فاعلی است و هر دو حرمت، حرمت همین فعل است؛ که این منجر به اجتماع مثلین شده و محال است.

بنابراین به هیچ شکلی نمی توان تصویری از حرمت شرعی فعل متجری به داشته باشیم. این بیان میرزا بنابر آنچه در جلد دوم اجودالتقریرات، صفحه ۲۶ آمده است می باشد.

اشکال بر کلام میرزا

ما بر این بیان محقق نائینی نقد داریم زیرا ایشان در فرض اول فرمودند که «تعلق حرمت بر جامعه، متوقف بر دو مقدمه است؛ مقدمه اول اینکه علم بما هو صورة نفسانیه سبب صدور فعل از مکلف باشد؛ و مقدمه دوم اینکه امر و نهی مولا، به اراده بمعنی الاسمی عبد (یعنی اراده بما هی اراده) تعلق بگیرد؛ نه به اراده بمعنی الحرفی که فانی در فعل است؛ که هر دو مقدمه باطل است»؛ اما ما می گوییم فرض اول [یعنی تعلق حرمت بر جامع]، الزاماً متوقف بر این دو مقدمه نیست؛ و این ممکن است که ما علم را طریقی بدانیم و علم طریقی را سبب صدور فعل

و یا سبب تحقق اراده فعل در نفس فاعل بدانیم و همچنین امر مولا را هم متعلق به اراده بمعنی الحرفی بدانیم؛ با اینکه چنین فرض کنیم نیز می توان تعلق حرمت به جامع بین حرمت و مقطوع الحرمة را فرض کرد. و قابل فرض است که از اول، حرمت خمر به جامع مقطوع الخمرية تعلق بگیرد؛ مقطوع الخمرية ای که سواء الوافق القطع فيه الواقع، که می شود معصیت، أو لم یصادف القطع فيه الواقع، که می شود تجری؛ حکم حرمت، از ابتدا به جامع مقطوع الخمرية تعلق می گیرد؛ و این توقف بر آن دو مقدمه ندارد.

ادامه بحث در فرض دوم و سوم را جلسه آینده بیان خواهیم کرد ان شاء الله.